

ناتوی فرهنگی و لزوم مهندسی فرهنگی در حوزه علوم انسانی

محمد ابراهیم بهرام^۱، احمدعلی بهرام^۲، محمدعلی تقی زاده علوی^۳، علیرضا فاضل دربندی^۴

چکیده

کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا در پاسخ به سیاست اتحاد جماهیر شوروی، طرح پیمان دفاعی دائم را در آوریل ۱۹۴۹ م، موسوم به سازمان آتلانتیک شمالی «ناتو» پی‌ریزی نمودند، که اهداف اصلی آن همکاری نظامی - سیاسی میان اعضای آن است. اما متأسفانه ناتو از قالب اصلی خود «خروج موضوعی» یافت و عملاً در جهت اهداف و سیاست‌های خودکامه غرب فعالیت می‌کنند. ناتوی فرهنگی در واقع اتحادیه کنسرسیومی نرم‌افزاری، رسانه‌ای از اعضای ناتو است که با بمباران افکار عمومی جامعه هدف، تغییر هویت فرهنگی آنان و سپس تغییر رژیم‌های سیاسی را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری است. در این نوشتار برای واکاوی موضوع، تحلیلی بر پیدایش و ارکان ناتو، تبارشناسی موضوع، ابزارها و ویژگی‌های ناتوی فرهنگی پرداخته و به شیوه‌ها و راهبردهای ناتوی فرهنگی چون تخریب بنیان‌های فکری و اعتقادی، اشاعه و توسعه وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی، ایجاد اختلاف، هدایت افکار عمومی اشاره شده و در ادامه به اهداف و انگیزه‌های ناتوی فرهنگی همچون جلوگیری از تمدن اسلامی، نابودی هویت ملی جامعه بشری، تسلط بر تحولات کشورهای هدف، سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی، تبلیغ و ترویج اندیشه‌های سکولار، توده‌گرایی می‌پردازد و در پایان راهکارها و پیشنهادهایی مبنی بر مهندسی فرهنگی کشور در حوزه علوم انسانی، به‌عنوان پدافند غیرعامل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ناتوی فرهنگی، مهندسی فرهنگی، علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزشی، مدرس گروه تربیت بدنی، دانشگاه کاشان

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد تهران

۳. کارشناس ارشد قرآن و علوم حدیث، دانشگاه پیام نور آران و بیدگل

۴. کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی، آموزش و پرورش کاشان

مقدمه

در ادبیات مختلف اسطوره‌هایی دیده می‌شوند که هر یک در عصر خود به نحوی از انحاء، سرآمد بوده اند، ولی همه آنها یک نقطه ضربه پذیر و یک نقطه ضعف داشته اند که آخر الامر همان سبب سقوط و نابودی آنان گردیده است. شاید امروزه آن نقطه حساس برای بافت اسلامی و مردمی کشور ما فرهنگ باشد. گر چه اقدامات مدیران فرهنگی کشور سبب شده که هر روز شاهد برنامه‌های مختلف و تلاش‌های فراوانی در جهت اعتلای سطح فرهنگی و اجتماعی باشیم، اما اینکه این برنامه‌ها و تلاش‌ها چقدر در برابر هجوم انبوه برنامه‌های مبتذل و صرف میلیون‌ها دلار هزینه برای انحراف و کج روی جوانان توسط استعمارگران از طریق رسانه‌ها، ماهواره‌ها و ورود کالاهای مبتذل، راه اندازی سایت‌های غیر اخلاقی و ... مثمر ثمر باشد، قابل بحث و بررسی است. در گذشته چنین مرسوم بود که قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر سایر کشورها به لشکر کشی و تحکم نظامی مبادرت می‌کردند. ولی امروزه به جای صرف وقت و هزینه‌های گزاف، برای رسیدن به اهداف شوم خود، از طریق کنترل اهرم‌های کلیدی اقدام می‌کنند. یکی از کلیدی‌ترین اهرمها که همواره مد نظر ابرقدرتها از جمله غرب قرار گرفته است، فرهنگ می‌باشد. فرهنگ شاید بعنوان بی صدا و آرام ترین ابزار تهاجم، آثارش چه بسا مخربتر از هزاران بمب و موشک و گلوله است. به خصوص در مورد جمهوری اسلامی ایران که توسط دشمنان، تمام روشها مورد آزمایش قرار گرفته و نتیجه ای عایدشان نگردیده است، به تهاجم فرهنگی، بعنوان آخرین و قوی ترین حربه، امید بسته اند. در این نوشتار سعی شده است که ویژگی‌ها، شیوه‌ها، ابزارها، اهداف و انگیزه‌های ناتوی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته و روش‌ها و راهکارهای مقابله با آن ارائه گردد. مطلب را با هم از نظر می‌گذرانیم.

ناتوی فرهنگی

ناتوی فرهنگی در واقع اتحادیه کنسرسیومی نرم افزاری، رسانه ای از اعضای ناتو است که با بمباران افکار عمومی جامعه هدف، تغییر هویت فرهنگی (ارزشها، هنجارها، اعتقادات، باورها، سمبل‌ها و نمادها و ...) آنان و سپس تغییر رژیم‌های سیاسی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسانهایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند. اعضای ناتوی فرهنگی با بهره مندی از ۵۷ سال تجربه نظامی‌گری، تاسیسات پایه ای هماهنگی را در حوزه رسانه‌ها شکل داده اند. این تاسیسات ارزشهای مشترک غربی را منتشر و تلاش می‌کنند تا ارزشهای مقاوم در برابر خود را کم‌رنگ و از بین ببرند. (حیبی، ۱۳۸۶:

اهمیت و ضرورت موضوع از دیدگاه مقام معظم رهبری

باند‌های بین‌المللی زر و زور که برای تسلط بر منافع ملت‌ها، سازمان نظامی ناتو را تشکیل داده بودند، اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهدافشان در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند، تا با استفاده از امکانات زنجیره‌ای متنوع و بسیار گسترده رسانه‌ای سر رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملت‌ها را به دست بگیرند که باید هوشیارانه این مساله را زیر نظر داشت.

مدت‌ها پیش از آنکه مقام معظم رهبری در جمع مردم سمنان و به خصوص قشر دانشگاهی این استان با ایراد این جملات و اشاره به بحث ناتوی فرهنگی اذهان را متوجه طرح‌های جدید دشمنان در جبهه فرهنگ بنماید از اصطلاحاتی چون تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی سخن به میان آورده بودند.

ایشان در تاریخ ۲۵ شهریور سال ۷۰ طی سخنان مهمی بیان فرمودند: «اینکه ما مکرر گفته ایم و می‌گوییم که توطئه فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم متکی به استدلال است، شعار نمی‌دهم. من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه‌ای بسیار زیرکانه در داخل در حال یک جنگ و مبارزه تمام‌عیار فرهنگی علیه ماست. در ادامه نیز در تاریخ ۲۰ آذرماه همان سال فرمودند: «این مساله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تاکید کرده ایم واقعیت روشنی است و با انکار آن ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد وجود دارد ... ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است... ما نباید چیزی را که روشن و واضح است انکار کنیم در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتاب‌هایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتا شما آقایان که عناصری فرهنگی هستید می‌شنوید همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد... امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم اگر نشناختیم و خوابیدیم از بین رفته ایم. رهبر فرزانه انقلاب در ۲۱ مرداد سال ۷۱ نیز در جایی فرمودند: «تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرم و بی‌سر و صدایی است یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان‌های مومن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می‌دارد منصرف کنند، همان کاری که در اندلس در قرن‌های گذشته کردند یعنی جوان‌ها را در عالم به فساد و شهوت رانی و می‌گساری و این چیزها مشغول کردند این کارها حالا هم دارد انجام می‌گیرد. ذکر جملاتی از این دست از مقام معظم رهبری به خوبی نشان می‌دهد که چرا معظم له امروزه بارها و بارها بر ضرورت تدوین نظام مهندسی فرهنگی تاکید داشته و از دیگر سو نسبت به رویکرد جدید دنیای غرب به تشکیل ناتوی فرهنگی هشدار

می‌دهند. چنانچه تاملی هر چند گذرا به سیر فرمایشات ایشان از زمان آغاز رهبری در سال ۶۸ تا کنون که بیش از ۱۸ سال می‌گذرد داشته باشیم به خوبی در می‌باشیم که سه گانه تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی از سوی دشمنان انقلاب و نظام چگونه شکل گرفت، چرا ادامه پیدا کرد و از این به بعد چه اهدافی را در درون خود دارد؟ (فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری در باب ناتوی فرهنگی، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۱۳۸۶).

تعریف کلید واژه ها (مفاهیم)

۱- **ناتو:** از نظر لغوی ناسازگار و ناموافق معنا می‌دهد. با صف آرای کشورهای طرفدار نظام سرمایه داری به رهبری ایالات متحده آمریکا در مقابل بلوک طرفدار سوسیالیسم به رهبری شوروی در سال ۱۹۴۹ بین آمریکا و کشورهای آلمان غربی، فرانسه، انگلیس، کانادا و در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۰ کشورهای کره جنوبی، یونان و ترکیه پیمانی نظامی به نام «ناتو» شکل گرفت و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به وجود آمد که با ماهیت و قواره نظامی کارکرد و هدف آن دفاع از پیرامون و پیشگیری از جنگی دیگر بود. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۷). نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در این زمینه گفت: «ما باید در رقابت با شوروی در دو جنبه پیروز شویم؛ اقتصاد و ایدئولوژی» (فرانسیس استینور ساندرس، ۱۳۸۲: ۲۷)

۲- **فرهنگ:** از فرهنگ به مجموعه دستاوردهای معنوی یک کشور یاد کرده اند. به مجموعه توانمندیهایی که انسان به کمک اندیشه و تفکر و در محیط پیرامون (طبیعت) ایجاد می‌کند نیز فرهنگ گفته اند (ستوده، ۱۳۷۸: پایگاه اینترنتی). از میان تعاریف گوناگون می‌توان به این تعریف اکتفا کرد که فرهنگ به مجموعه دانش‌ها، بینش‌ها و باورها، آداب و رسوم و سنتهای عمومی افراد جامعه اطلاق می‌شود که نسل به نسل منتقل می‌شود

۳- **ناتوی فرهنگی:** این اصطلاح توسط مقام معظم رهبری و در جمع دانشجویان و دانشگاهیان استان سمنان در تاریخ ۸۵/۸/۱۸ مطرح گردید. ناتوی فرهنگی در واقع اتحادیه کنسرسیومی نرم افزاری، رسانه‌ای از امضای ناتو است که با بمباران افکار عمومی جامعه هدف، تغییر هویت فرهنگی (ارزشها، هنجارها، اعتقادات، باورها، سمبل‌ها و نمادها و ...) آنان و سپس تغییر رژیم‌های سیاسی را دنبال می‌کنند. بعبارت دیگر رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسانهایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند. اعضای ناتوی فرهنگی با بهره مندی از ۵۷ سال تجربه نظامی گری، تاسیسات پایه‌ای هماهنگی را در حوزه رسانه‌ها شکل داده اند. این تاسیسات ارزشهای مشترک غربی را منتشر و تلاش می‌کنند تا ارزشهای مقاوم در برابر خود را کمرنگ و از بین ببرند. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۰).

زمینه پیدایش ناتو

بعد از جنگ جهانی اول با شکستن آلمان و حامیانش در سال ۱۹۱۸م، پایان گرفت جامعه ملل تاسیس گردید. جامعه ملل به عنوان اولین سازمان بین المللی ماموریتی عام و گسترده در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی و تمدن جهانی به عهده گرفت و در مدت زمانی که پا برجا بود، دورنمای با شکوه و بی سابقه ای از جامعه مشترکی که روح بین المللی در آن دمیده شده بود به جهانیان عرضه کرد و آنها را به طور اختیاری به اصول حقوق ملل پایبند نمود. لکن متاسفانه به موازات این اقدامات و تحرک ائتلافی جامعه بین المللی در جهت معکوس نیز جنبشی برای متلاشی نمودن این جامعه بوجود آمد و کوشش‌های انجام شده را دچار مخاطره نموده و خلاصه آنکه زمینه‌ها و بسترهایی ایجاد شد و جامعه ملل نتوانست در جهت اهدافش که صلح و امنیت بود موفق عمل نماید تا این که جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ م آغاز گردید که در نهایت منجر به شکست آلمان و حامیانش گردید. بنابراین از سال ۱۹۴۴ م یعنی قبل از پیروزی «متفقین»، ملل متحد به فکر تاسیس جامعه ملل جدیدی افتادند که بهتر و محکم تر از سابق بی ریزی شده باشد. به همین جهت در سال ۱۹۴۵ در کنفرانس سانفرانسیسکو اساسنامه سازمان جدید با عنوان سازمان ملل متحد به تصویب اکثریت کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رسید ضمن آنکه صلاحیت و شخصیت حقوقی بین المللی سازمان ملل متحد در مقررات «منشور ملل متحد» و تعداد زیادی از قراردادهای بین المللی مندرج است. اما سازمان ملل متحد هر چند امروزه بعنوان مهمترین و بزرگترین سازمان بین المللی دنیا محسوب می‌شود و لیکن انچنان که شایسته و بایسته است، نتوانسته است در صلح و امنیت بین المللی تاثیر گذار باشد. به همین خاطر بعلت ضعف و عجز سازمان‌های بین المللی در حل مسایل بین المللی، سازمان‌های قاره ای یا منطقه ای تاسیس گردید تا بتواند در چهارچوب محدودتری امنیت دسته جمعی بهتر و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی موثرتری را برقرار نماید. از جمله سازمانهای منطقه ای، سازمانهای اروپایی و منطقه ای آتلانتیک می‌باشد و از جمله سازمانهای اروپایی و منطقه ای سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌باشد.

ناتو و ارکان تشکیل دهنده آن

کشورهای اروپایی غربی و ایالات متحده آمریکا در پاسخ به سیاست اتحاد جماهیر شوروی، طرح پیمان دفاعی دائم را پی ریزی نمودند که موسوم به سازمان آتلانتیک شمالی ناتو می‌باشد، این پیمان دفاعی در آوریل ۱۹۴۹ م در واشنگتن برای مدت ۲۰ سال به امضای دوازده کشور آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند، نروژ، لوکزامبورگ، دانمارک، ایسلند، ایتالیا و پرتغال رسید و در سالهای بعد یونان، ترکیه، آلمان فدرال، اسپانیا، لهستان، مجارستان و جمهوری چک به عضویت ناتو درآمدند مدت این پیمان بدون محدودیت قابل تمدید می‌باشد بنابراین تاکنون چند بار تمدید شده است. هدف اصلی از ناتو همکاری نظامی - سیاسی میان اعضا است بطوریکه ماده ۵ این پیمان بیان می‌دارد: «اگر به یکی از کشورهای عضو، حمله

مسلحانه شود هر یک از اعضا دیگر برای یاری دادن به طرف یا طرف‌های مورد حمله بی درنگ منفردا یا با موافقت سایر اعضا هر عملی را که مقتضی بداند از جمله به کار بردن نیروهای نظامی انجام می‌دهند تا امنیت را مجددا برپا دارد. و این پیمان مبتنی بر اصل دفاع مشروع یا دفاع از خود اعم از فردی یا جمعی مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است.

ارکان ناتو

۱- شورای آتلانتیک شمالی (مرکب از کلیه نمایندگان کشورهای عضو).
 ۲- کمیته نظامی (مرکب از روسای ستاد ارتش‌های کشورهای عضو) که تصمیمات این کمیته بوسیله یک گروه دائم که روسای ستاد ارتش‌های ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه یا نمایندگان آنان ترکیب یافته است اجرا می‌گردد. اما متاسفانه ناتو از قالب اصلی خود «خروج موضوعی» یافت و عملاً در جهت اهداف و سیاست‌های خودکامه غرب به فعالیت‌های خود ادامه داده و می‌دهد و به تعبیر مقام معظم رهبری برای سرکوب هر صدای معارضی با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند. (برومند، بصیرت، ۱۳۸۶)

تبارشناسی موضوع

تفکر ناتوی فرهنگی به سال ۱۹۲۰ میلادی بر می‌گردد که فولر مورخ و تحلیل‌گر نظامی بریتانیایی امکان جایگزینی اقداماتی نظیر زائل کردن خرد انسانی، مغشوش کردن هوش انسانی و مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی یک ملت به وسیله نفوذ در اداره آنها را با وسایل سنتی جنگ ادعا کرد. در آن زمان این ادعا توجه چندانی را به خود جلب نکرد. بیست سال بعد که بریتانیایی‌ها درگیر تلاش گسترده‌ای در زمینه تبلیغات- نظیر آنچه فولر پیش‌بینی کرده بود- شدند، اصطلاح جنگ سیاسی را به کار بردند. (حیبی، ۱۳۸۲: ۵)

از سال ۱۹۴۷ تاکنون مرکز اطلاعاتی آمریکا (سیا) برای مسلط شدن بر دنیا و کنترل افکار عمومی آمریکا و سایر نقاط جهان، اعمال روش‌های نوین و ارائه خدمات در پوشش ابزارها و تجهیزات مدرن و مدرن‌تر را در دستور کار خود داد. در اوج جنگ سرد از ۱۹۴۷-۱۹۵۰ طرحی محرمانه برای تبلیغات مسموم فرهنگی در اروپای غربی، توسط بازوی جاسوسی آمریکا، آژانس مرکزی اطلاعات سیا، به اجرا گذاشته شد و یکی از جنبه‌های اصلی این طرح پیشبرد این ادعا بود که این تبلیغات اصلاً وجود ندارد. بخش عمده این مبارزه فرهنگی مخفی بر عهده «کنگره آزادی فرهنگی» قرار داشت که از سال ۱۹۵۰-۱۹۶۷ توسط یکی از عوامل سیا به نام «مایکل یوسلو» اداره می‌شد. دستاوردهای این انجمن که بسیار قابل توجه بود عبارت است از:

۱- ایجاد دفترهایی در ۳۵ کشور جهان

۲- استخدام کارمندان بسیار

- ۳- انتشار بیش از ۲۰ مجله پرآوازه
 - ۴- برگزاری نمایشگاه‌های هنری
 - ۵- ایجاد یک سرویس خبری و سینمایی
 - ۶- سازماندهی کنفرانسهای بین‌المللی
 - ۷- اجراهای عمومی موسیقی و دادن جوایز به موسیقی دانان و هنرمندان
- ماموریت انجمن یا «کنگره آزادی فرهنگی» سوق دادن دانشوران اروپای غربی به آرامی از مارکسیسم و کمونیسم به سوی دیدی سازگارتر با روش آمریکایی بود. (استینو ساندريس، ۱۳۸۲). از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ آمریکایی‌ها با کار فکری مداوم در نهایت سند شماره ۱۳۰ شورای امنیت ملی (N.S.C) را به تصویب رساندند. این سند با عنوان «سیاست اطلاعاتی و ارتباطی رایگان» در راس اقدامات و برنامه ریزی‌های دهه‌های آینده سیا قرار گرفت. محورهای اساسی این سیاست عبارتند از:
- ۱- تجدید نظر و توسعه در ساختارهای اطلاعاتی، ارتباطی و میان فرهنگی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۸۰ اداره نفوذ راهبردی را تاسیس کرد تا افکار عمومی دنیا را با خود همسو کند. (هفته نامه صبح صادق، ۸۵/۱۰/۴، ۸۵/۸/۲۹، ص ۱۰)
 - ۲- بازسازی و اصلاح شبکه‌های رادیو و تلویزیون به منظور دسترسی به مخاطبان مختلف جهانی. ایالات متحده آمریکا در تیرماه ۱۳۸۲ یک میلیارد دلار بودجه برای راه اندازی شبکه تلویزیونی در خاورمیانه به منظور حمایت از دوستان آمریکا در منطقه تصویب کرد.
 - ۳- تقویت تکنولوژی و ابزار جدید اطلاعاتی و ارتباطی به منظور نفوذ بیشتر در مناطق مختلف جهان.
 - ۴- تحقیقات عمیق تر در سنجش افکار عمومی: نظرسنجی‌هایی چون نظرسنجی موسسه «گالوپ».
 - ۵- استقرار و توسعه هر چه بیشتر ابزارها و شیوه‌های موثر جنگ روانی در بحرانهای بین‌المللی.
 - ۶- تولید و توزیع نشریات مختلف در حمایت از اصول و ارزشهای آمریکایی و غربی، در مقطع کنونی نزدیک به ۹۰ شبکه خبری آمریکایی و ۲۰ خبرنگار آمریکایی در کشور ما فعال هستند.
 - ۷- برقراری ارتباط با نخبگان و عوامل مورد نظر
- پیام اصلی این سند، القای این نکته است که با ارزشهای امپراطوری بزرگ فرهنگی نمی توان درگیر شد و پایان تاریخ لیبرال-دموکراسی است. طرح نظریه‌های «پایان تاریخ و آخرین انسان» فوکویاما، «موج سوم» آلوین تافلر، «دهکده جهانی» جرج اورول و مک لوهان. «برخورد تمدن‌های» ساموئل هانتینگتون «جهانی شدن و جهانی سازی» رابرتسون، هابرماس و گیدنز و نظریه «عدالت جهان» راولفر پروژه ای برنامه ریزی شده را دنبال کردند. دست اندرکاران این پروژه که وابسته به حلقه نو محافظ کاران آمریکایی هستند. «جهان شمولی» و «جهان سازی» را پروسه ای مختوم برای بشر امروز معرفی کرده اند. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۱)

ویژگی های ناتوی فرهنگی

۱- نامحسوس و نامرئی است:

بر خلاف ناتوی نظامی که میزان توانمندی کشورهای عضو و یا سازمان مربوطه از حیث سلاح و تجهیزات و نیروی انسانی و حیطة عمل مشخص است در ناتوی فرهنگی نامحسوس بودن اقدامات و فعالیت ها و میزان سلاح و تجهیزات مخصوص به آن مشخص نیست. بعبارت دیگر سلاح دشمن در این نبرد فرهنگی امور به ظاهر رسمی و قانونی و کار ساز و مثمر ثمر از قبیل تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، مباحثه چاپ و انتشار کتب، مجله، عکس، شعر و قصه و نمایش و ... است و همه اینها در قالبهای ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر، ادب، آزادی بیان و اظهار عقیده، تضارب افکار و تبادل اندیشه ها و ... صورت می گیرد. لذا همه این موارد در استتار کامل صورت می پذیرد به گونه ای که تشخیص ردپای آن نه تنها در سطح عمومی جوامع که حتی در بخش خواص نیز کاری بس دشوار است و چه بسا دشمن در ناتوی فرهنگی بخش عمده ای از سربازان خویش را از میان «خودبها» برگزیند و سخن خویش را از زبان آنها بیان کند و نقشه های خود را با دست آنها عملی سازد.

۲- دراز مدت و دیرپا بودن

کار فرهنگی به همان میزان که نتیجه و محصول خود را دیر بدست می دهد اثری را که از خویش بر جای می گذارد نیز دیرپا و ماندگار است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست بر خلاف ناتوی نظامی که نتیجه عملکرد آن در کوتاه مدت روشن و هویدا می گردد در ناتوی فرهنگی بذری را که دشمن در ضمیر و فکر افراد جامعه می کارد سالها و بلکه سالها بعد آثار مخرب خویش را نمایان می سازد. «ناتوی فرهنگی» از آن نسخ کارهایی است که به تعبیر مقام عظمای ولایت «صدایش فردا در می آید».

۳- برخورداری از عمق

در ناتوی فرهنگی فرهنگ به عنوان «سنگ زیرین» و یا پایه های اصلی تمدن ساز یک جامعه مورد هدف قرار می گیرد و مهمترین بخش فرهنگ هویت ملی و اسلامی یک جامعه است که در رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی مورد هجوم قرار می گیرد در واقع آن عنصری مورد حمله قرار می گیرد که قابلیت بیداری و دفاع در مقابل هجوم دشمن را دارد و تاریخ به وضوح نشان می دهد و شکار کرده اند و سپس مورد هجوم نظامی قرار می دهند. و هویت ملی و اسلامی عمیق ترین بخش افتخارات یک جامعه است لذا می بایست برای تسخیر و اضمحلال آن حرکتی همه جانبه انجام داد.

۴- چند بعدی عمل کردن:

دشمن در ناتوی فرهنگی از تمامی حربه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می گیرد به

انزوا کشیدن کشورهای مورد هدف و بایکوت رسانه ای و خبری، محاصره اقتصادی و فشار مضاعف، جنگ رسانه ای و تبلیغاتی علیه ارزشهای آن، تلاش در جهت یاس و ناامیدی و عدم خودباوری، پرورش روح حقارت و خود کم بینی و مخدوش کردن چهره فرهنگ و در نهایت حمله نظامی اقداماتی همه جانبه است که دشمن در ناتوی فرهنگی دنبال می‌کند.

۵- اقدام با برنامه قبلی:

داشتن طرح و برنامه برای اجرا در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت از مهمترین شگردهای صاحبان تفکر ناتوی فرهنگی است بر خلاف کسانی که گاه بدون برنامه حرکت می‌کنند و یا مقطعی و گاه بی صبرانه گام بر می‌دارند. دشمنان در عرصه فرهنگی همچون جنگ سرد فرهنگی گاه ثمره کار خویش را در فاصله زمانی قریب به ۵۰ سال درو می‌نمایند. نگاهی به آمار کنفرانسها و موسسات و بنگاه‌های علمی و تحقیقاتی با عناوین مختلف از جمله «ایران شناسی»، «اسلام شناسی» «شیعه شناسی» و ... انجام می‌گیرد و نشانه دقت و برنامه ریزی استکبار برای مقابله با تفکر اسلام سیاسی است. دشمن در ناتوی فرهنگی از ابزار و امکانات تکنولوژی گسترده و متنوع همراه با بودجه‌های کلان و تکنیک و هنرمدرن، برای اشاعه فرهنگ و آرمانهای استکبار بهره می‌جوید.

۶- اولویت اول ناتوی فرهنگی:

بعد از فروپاشی شوروی با حربه جنگ سرد فرهنگی، اولین اولویت در برنامه ریزی متوجه جهان اسلام و داخل کشورها متوجه قشر جوان و نوجوانان می‌باشد. در واقع جوانان بعنوان فعالترین نیروی محرکه توسعه و پیشبرد یک کشور مورد هدف قرار می‌گیرند. و با تسخیر ذهن و فکر آنها و سرگرم کردن به امور لهو و لعب و ابتذال و گاه با تزریق فرهنگ یاس و ناامیدی آنها را از چرخه فعالیت و تلاش و ایستادگی و هویت خویش تهی می‌سازند.

۷- مخرب تر بودن ناتوی فرهنگی از ناتوی نظامی:

همان گونه که اشاره شد به دلیل ماهیت ناتوی فرهنگی عمق خرابی و ویرانی آن به مراتب بیشتر از ناتوی نظامی است زیرا حمله نظامی صلابت و مقاومت ملتها را تحت عناوین دینی و ملی بر می‌انگیزد و به عکس العمل وا می‌دارد اما توطئه اخلاقی و فرهنگی و اضمحلال هویت ملی و دینی ملتها در ابتدای امر قدرت استقامت و پایداری در مقابل دشمن و در نهایت باور به دشمنی دشمن را از ملتها می‌ستاند. و چه بسا آنها را به سرو جان فرهنگ دشمن بدل سازد. آیزنهاور در پس از جنگ دوم جهانی اعلام کرد «بزرگترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسانها» و کارتر در زمان ریاست جمهوری خود اعلام کرد در یک دلار برای تبلیغات بهتر است از ده دلار برای تسهیلات و به تعبیر یکی از مبشرین مسیحی اروپا در جنگهای صلیبی از راه شمشیر ضرر کرد. اکنون اراده کرده از راه تبشیر به مقاصد خود

برسد. اروپا می‌خواهد با این «جنگ صلیبی جدید» بدون خونریزی به هدف برسد.

۸- فراگیری ناتوی فرهنگی در مقایسه با ناتوی نظامی:

در اقدام ناتوی نظامی، تنها بخشی از مرزهای میهن اسلامی و سرزمینهای مجاور مرز، مورد حمله مستقیم دشمن قرار می‌گیرد و سلاحهای نظامی با برد مشخص اهداف را مورد حمله قرار می‌دهند اما اقدام ناتوی فرهنگی با سلاذحهای مخرب از قبیل CD، فیلمهای مبتذل و ضد اخلاقی، نوارها و عکسهای مبتذل، کتب و مجلات فساد آور و ... تا عمق خانه‌ها نه در یک شهر یا کشور بلکه در ابعادی بسیار وسیعتر از مرز قاره‌ها نفوذ می‌کند. ترویج روحیه دنیاگرایی، زندگی مصرفی، تجملاتی، فساد و فحشا، بی بند و باری، بی اعتنائی به احکام الهی همه از آثار مخرب آن است. بنابراین ناتوی فرهنگی هم از نظر امکانی و حوزه جغرافیایی و هم از نظر زمانی حد و مرز نمی‌شناسد. همه مکانها محل یورش ناتوی فرهنگی و همه زمانها در تسخیر اویند. در این عرصه کمتر تیر دشمن به خطا می‌رود مادام که غفلت حاکم شود و توطئه توهم پنداشته شود. (بهشتی نژاد، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۱۳۸۵)

اهداف و انگیزه‌های ناتوی فرهنگی

جبهه ناتوی فرهنگی هم مانند دیگر جبهه‌های طراحی شده از سوی دشمنان ملت ایران و امت اسلام دارای اهداف خاص خویش است که با توجه به آنچه بیان شد در موارد زیر می‌توان آن را ذکر کرد:

۱- نابودی هویت ملی جوامع بشری: با تخریب باورهای ملی و دینی وزیر سوال بردن ارزش‌های معنوی این هدف را دنبال می‌کنند.

۲- به دست گرفتن سه رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای هدف: با تیره و تار نشان دادن چهره این نظام‌ها این اهداف را پیگیری می‌کنند.

۳- مجبور کردن ملت‌ها به پذیرش فرهنگ مبتذل دول استعماری تاهویت جهانی را بر پایه اندیشه سکولار شکل دهند

غرب برای مقابله با اردوگاه کمونیسیم، امپریالیسم لیبرال، جنگ سرد و پیمان شکنی، ناتو را تدارک دید و برای مقابله با موج بیداری در جهان اسلام در پی تشکیل «ناتوی فرهنگی» است تا با استفاده از این انسجام امکانات فرهنگی مانع بیداری ملت‌ها گردد و بدین وسیله سر رشته امور را بدست گیرد.

۴- سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی: آمریکا با تجمیع ظرفیت‌های فرهنگی، تلاش می‌کند غرب را با خود به صورت یکپارچه متحد نگهدارد و از واگرایی اروپا، ژاپن و کشورهای طرفدار غرب در منطقه جلوگیری کند. بعبارت دیگر تمامی فرهنگ‌ها به صورت سلسله مراتبی در زیر مجموعه ای از فرهنگ غرب قرار گیرند.

۵- جلوگیری از ایجاد تمدن اسلامی: با ایجاد چند دستگی، تقابل و تضارب و در نهایت جنگ بین قوای

- اسلامی به جای ایده انگلیسی «تفرقه بیادندار و حکومت کن» ایده «تفرقه بیانداز و نابود کن» را به طوری جدی دنبال می‌کنند. (به نقل از بصیرت سیاسی، ۱۳۸۶)
- ۶- تبلیغ و ترویج مبانی اندیشه ای چون اصالت لذت، دنیاگرایی، بی اخلاقی گری اجتماعی، فردیت افراطی، فمینیسم (هر چیز را از نگاه جنسیت دیدن و در یک کلام تبلیغ برای رفع حیا از سطح اجتماع)، سوداگرایی اقتصادی، توده گرایی، ترویج بی بند و باری.
- بدین ترتیب می‌توان ماهیت نظام سلطه را در میدان نبرد برای تضمین «آینده خود» متشکل از اجزایی به شرح ذیل دانست.
- الف) وجه غالب: که ماهیت ضد فرهنگی دارد و اساس آن بر تخریب پایه‌ها و بنیان فرهنگی و ایدئولوژی کشورهای مقاوم در مقابل نظام سلطه نباشد، این بخش به کمک ابزار متعددی تحقق می‌شود که مهمترین آنها تخریب روند بیداری جهان اسلام، دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، ترویج فساد و ابتذال اخلاقی، تبلیغ و ترویج عرفانهای اخلاقی و مسلک‌های منحط و استعمار ساخته و تخریب باورهای ملی و دینی می‌باشد.
- ب) وجه مقوم: که ماهیتی اقتصادی دارد، نظام امپریالیستی از دیرباز با تاکید بر جنبه‌های اقتصادی سعی در تثبیت سلطه خود داشته است. این جنبه از میدان نبرد غالباً به دو گونه عمل می‌شده گونه اول نفس چپاول و غارت ثروت ملل است و گونه دوم نوعی وابستگی و تضعیف و مانع شدن از رشد اقتصادی کشورهای تحت سلطه است. اما امروز در میدان نبرد ناتوی فرهنگی، مسایل اقتصادی همچون تحریم‌های حکم مقوم و کاتالیزور برای تسهیل حمله‌های فرهنگی و تخریب ایدئولوژی‌ها را دارا می‌باشد. نظام سلطه به خوبی می‌داند ملتی که در بحران اقتصادی و فقر مادی دچار است، زودتر به مهلکه فقر فرهنگی وارد می‌شود و تنها در این شرایط است که ارزشهای غربی و فرهنگ لیبرالی جواب می‌دهد و الا جایی که فرهنگ ناب اسلامی رواج دارد ارزشهای لیبرالی، ضد ارزش محسوب می‌گردد.
- ج) وجه زمینه ساز: که ماهیتی نظامی و میلیتاریستی دارد و بعنوان آماده سازی بسیاری از جنبه‌های دیگر در میدان نبرد ناتوی فرهنگی عمل می‌کند، نظام سلطه جهانی جنگ نظامی به راه می‌اندازد تا بتواند برنامه اصلی خود که تخریب فرهنگ به کمک مقوم‌های اقتصادی است را عملی می‌کند که نمونه‌های آن در جنگ ۳۳ روزه و نیز عراق و افغانستان در همین چند ماه گذشته عملیاتی شده است.
- د) وجه مکمل: که ماهیت جنگ روانی دارد و به عنوان تسریع کننده برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی و بعضاً نظامی عمل می‌کند، جنگ روانی غالباً در حوزه موضوعی خاص، عملیاتی می‌شود مثلاً در ماههای گذشته مقوله انرژی هسته ای در جمهوری اسلامی ایران و دسترسی بومی به این فناوری در چارچوب عملیات روانی بازتاب داده شده و ایران بعنوان کشوری که قصد تولید بمب اتم و نابودی جهان را دارد معرفی شد.

درواقع رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی فرهنگ و هویت ملی جوامع به ویژه مقابله با ایمان انسان هایی است که مصرند از هویت ملی و دینی خود شرافتمندانه دفاع کنند. (پایگاه اینترنتی بصیرت).

شیوه و راهبردهای ناتوی فرهنگی

شیوه هایی که در ناتوی فرهنگی برای اسارت ملت ها به کار گرفته می شود بسیار متنوع و گوناگون است. شیوه هایی که برای بمباران عقبه ملتها- یعنی فرهنگی- به کار گرفته می شود عبارت است از:

۱- تخریب بنیان های فکری و اعتقادی:

اعضای ناتوی فرهنگی در واقع سعی دارند با استفاده از برتری های سیاسی، اقتصادی و رسانه ای به مبانی افکار و ارزش های مسلمانان هجوم بیاورند و با نفی و رد ارزش های دینی و ملی، حاکمیت خود را تثبیت و ارزش های مطلوب خود را تحمیل کنند. (پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).

۲- اشاعه و توسعه وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی:

با حدود ۵۷ سال سابقه تشکیلاتی نظام گری تاسیساتی را در حوزه رسانه ها به خدمت گرفته اند که مرزهای خصوصی مردم نادیده گرفته می شود. با این وسایل هر هدفی به راحتی قابل اجرا است. این امر برای کشورهای صاحب تکنولوژی سهل الوصول تر است. (حمید حبیبی، ۱۳۸۶: ۵).

۳- برچسب ناخوشایند به کشورهای مستقل و افراد صاحب نفوذ در جهان اسلام:

دستگاه تبلیغاتی ناتوی فرهنگی با برچسب توهین آمیز و ناپسند و همچنین انتخاب نام هایی که دارای بار هیجانی شدید است و می تواند بر نگرش مخاطبان نسبت به آن اشخاص یا کشور تاثیر بگذارد عمل می کند مفاهیمی نظیر محور شرارت، انتخابات فرمایشی، ارتجاع مذهبی، بنیادگرایی اسلامی، نظام سرکوبگر، رژیم توتالیتری، آپارتاید مذهبی تنها برخی از ده ها مفاهیمی اند که در برد رسانه ای ناتوی فرهنگی علیه اشخاص گروه ها و کشورهای مستقل در جهان اسلام بویژه جمهوری اسلامی ایران به کار برده می شود.

۴- نفی و اثبات:

دستگاه های رسانه ای غرب به اشکال مختلف برای نفی حکومت اسلامی در ایران و اثبات ناکارآمدی آن در اداره جامعه، ابتدا آسیب های اجتماعی و سیاسی پدید آمده در جامعه را بر می شمارند و به کمک عوامل خود آنها در برجسته می سازند. آن گاه به برجسته سازی محاسن لیبرال دموکراسی غرب مبادرت می ورزند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶)

۵- ایجاد اختلاف:

ایجاد اختلاف، چند دستگی و تقابل و نهایتا درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون هم در بعد ملی هم در سطح جهان اسلام.

- ۶- القاء وجود اجماع نسبت به نظرات آنها در جهان:
 آنها سعی می‌کنند طوری القاء کنند که همه با نظرات و مواضع آنان موافق اند و آن چه را آنها می‌گویند نظر همه است در واقع آنان با استفاده از نیاز به هم‌رنگی و تمایل به در اکثریت بودن مردم برای القای پیام‌های عملیاتی روانی خود بهره می‌گیرند.
- ۷- ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم:
 دستگاه تبلیغاتی و رسانه ای ناتوی فرهنگی با ارائه اخبار و اطلاعات ناقص، شبهه انگیز و اغلب نادرست در زمینه رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی سعی در القای ناکارآمدی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شک و شبهه در مورد ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی هستند.
- ۸- هدایت افکار عمومی:
 دستگاه تبلیغاتی و رسانه ای ناتوی فرهنگی غرب و کارگزاران خبری آنها آگاهانه و با برنامه ریزی به تصویرسازی خبری و انگاره سازی خبری دست می‌زنند و با فضای ساختگی که ضرورتاً با واقعیت منطبق نیست و یا از واقعیات انگاره هایی خلق می‌کنند که تنها در راستای اهداف آنها باشد.
- ۹- استفاده از تمامی سازوکارهای علمی:
 بهره گیری از کرسی‌های علمی، مجامع بین المللی (NPT)، تغییر گروه‌های مرجع اجتماعی با چهره سازی‌ها و معرفی آنان بعنوان یک فرد پیشرفته.
- ۱۰- تبلیغ فرهنگ غرب بعنوان ابرفرهنگ:
 با ارائه معیارهای ابرفرهنگ از قبیل رفاه مادی، مصرف گرایی، بهره جویی و لذت بردن بی حد و لجام گسیخته در زندگی و ... به منظور یکپارچه سازی فرهنگی و همگون سازی ایدئولوژیک را در جوامع مختلف دنبال می‌کنند.
- ۱۱- تضعیف فرهنگ ایمان مردم و جدایی جوانان از اعتقادات دینی. (حیبی، ۱۳۸۶).

ابزارهای ناتوی فرهنگی

یکی از محورهای اساسی استراتژی اطلاعاتی و ارتباطی آمریکا استفاده از تجهیزات و امکانات پیشرفته ارتباطاتی و رسانه ای برای نفوذ بیشتر در مناطق مختلف جهان و دسترسی به مخاطبان جهانی است. در این راستا ابزارهایی چون ماهواره، سایتهای اینترنتی، سی دی ها، فیلم ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، بازیهای رایانه ای، مدل‌های پوششی، کتابها، تغییر دروس دانشگاه، فعالیت‌های هنری، ترویج مذاهب الحادی و فرقه گرایی، گروه گرایی، ایجاد NGO، اجرای برنامه‌ها در قالب متون دینی، قرص‌های شادی آور، مشروبات الکلی، ترسیم کاریکاتورهای توهین آمیز به ساحت مقدس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ... در خدمت ناتوی فرهنگی است. (پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).

روش‌ها و راهکارهای مقابله با ناتوی فرهنگی

برای مقابله با ناتوی فرهنگی با توجه به این که کارکرد آن از جنس فرهنگی است باید راهکارهای متناسب با آن اتخاذ شود از آنجا که ناتوی فرهنگی در مقطع کنونی متوجه جهان اسلام است، مقام معظم رهبری نیز همواره وحدت جهان اسلام را گوشزد نموده و امسال را هم سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیدند. در همین راستا راهکارها مقابله با ناتوی فرهنگی نیز بایستی با محور قرار گرفتن این استراتژی طراحی و اجرا شود. از جمله این راهکارهای می‌تواند موارد زیر باشد.

۱- باور به هجوم و توطئه ناتوی فرهنگی

در مقوله باور چه در بحث تهاجم یا شیخون فرهنگی و چه در بحث ناتوی فرهنگی دو رویکرد عمده وجود دارد؛ رویکرد اول اصالتاً تهاجم در مقوله فرهنگ را تبادل و تعامل دانسته و قائل به هیچگونه مدیریتی در این حوزه نیست این دیدگاه با تاثیر پذیری از تنگ‌نگاه لیبرالیستی به موضوع فرهنگ هر نوع مداخله، برنامه ریزی کنترل و جهت دهی در حوزه فرهنگ را مخل فرهنگ و در جهت تخریب آن می‌دانند و بر این اعتقادند که این گونه محدودیت‌ها روح هنر و خلاقیت را می‌سوزاند.

رویکرد دوم قائل به مدیریت و کنترل حوزه فرهنگ می‌باشد که گاه این عدم اشتراک در باور و یا حتی اجماع نسبی در سطوح نخبگان و مدیران عرصه فرهنگ و مسئولین موجب عدم برخورد جدی با این پدیده‌های شوم و خسارت جبران ناپذیر و از سویی سردرگمی مردم گشته است. در مقوله ناتوی فرهنگی بعنوان یک توطئه شوم با عنایت به اینکه در حوزه ای گسترده تر از یک کشور اسلامی بلکه جهان اسلام را هدف قرار داده است می‌بایست این باور در سطوح ملتها و دولتهای اسلامی، بوجود آید و نیت به آنها اقدام جدی نمایند. پس از مرحله باور با پرهیز از اقدام و برخورد انفعالی و مقطعی و جزیره ای می‌بایست در یک سطح کلان مبانی نظری بعنوان یک استراتژی طرح و سیاستگذاری لازم صورت گیرد و با تقسیم کار در حوزه کشورهای اسلامی با طرح پروژه‌های مختلف به تناسب زمان و مکان به اجرا در آید.

۲- پاکسازی حوزه‌های فرهنگی از افراد غیرنخبه

همچنان که در بعد نظامی در هنگامه تهدید و جنگ متخصص ترین و متعهدترین انسانها در امور نظامی با آموزش‌های لازم به کارگیری شوند و حتی تهدید از حوزه نظامی به حوزه فرهنگی منتقل می‌شود می‌بایست مدیریت عرصه فرهنگی به دست انسانهای شایسته و متخصص در این امر سپرده شود و حوزه‌های فرهنگی را از انسانهای کم یا بدون باور به تهدید دشمن پاکسازی کرد.

۳- بینش و بصیرت و آگاهی و روشنگری

جهل و غفلت و گاه لجاجت عواملی است که همواره زمینه ساز رخنه و نفوذ دشمن می‌شود و یکی از راه‌های مقابله با ناتوی فرهنگی، فرهنگ سازی و بسترسازی لازم برای بالابردن سطح آگاهی و بینش و بصیرت ملتها و حتی گاه دولتمردان است. نقش رسانه هایی همچون صدا و سیما، دانشگاه ها، مدارس، حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و معنوی و ... همگی می‌توانند با تعامل با دستگاه‌های همسو در کشورهای مختلف اسلامی در این جهت گامهای اساسی را بردارند. همچنان با گسترش ناتو در بعد نظامی ملتها چه بسا تظاهرات به راه می‌انداختند. در این مقوله نیز می‌توان با بیداری ملتها آن‌ها را به صحنه رویارویی به دشمن کشاند و خطر ناتوی فرهنگی را بعنوان یک تهدید ابزار و در مقابل آن صف آرایي نمایند. از دیگر اقداماتی که می‌توان انجام داد اعمال زشت غریبها که جنبه تخریبی نیز دارد را با حرکت‌هایی منسجم در قالب امور رسانه ای به دنیا اعلام و همواره افشاگری در این امور صورت گیرد.

اقدام دیگری که می‌توان انجام داد شفاف سازی عملکرد ناتو است. زیرا آنها همواره در عرصه فرهنگی لاپوشانی می‌نمایند و در این جهت نیز باید فعال عمل کرد.

۴- شناخت کارکردهای ناتوی فرهنگی

با توجه به این که مهمترین هدف ناتوی فرهنگی مقابله با شریعت و دین اسلام و به ویژه اسلام سیاسی است اموری از جمله تهی کردن دین از بصیرت و جایگزین کردن خزانه پرستی، اباحه گری، ترویج ابتزالی تحت عنوان آزادی و حتی ارتباط با حضرت ولی عصر و غیره امروزه از کارکردهای تبلیغات رسانه ای غرب است، که تلاش دارد با توجه به ماهیت تهاجمی عملکرد خود، دین و ایمان مردم را مورد هدف قرار دهد. لذا عمق بخشی به معرفت و شناخت مردم بسیار ضروری است. شواهد و قرائن زیادی در نظریه پردازی شرق شناسان دیده می‌شود که تلاش دارند با اختلاف میان مسلمانان، ترویج مکاتب انحرافی، عرفان منهای خدا، اباحه گری، روح بصیرت و آگاهی را از جامعه بگیرند و آرایشهای کوچکی و بازار جوانان نمونه ای از سطحی نگری و عدم شناخت می‌باشد.

۵- پرهیز از تساهل و تسامح

مقوله فرهنگ در میان موضوعاتی اساسی جامعه ما مظلومترین بوده است، زیرا از سوی بسیاری از مسئولین مغفول و در منظر بسیاری از رندان تحت عنوان تساهل و تسامح مورد بی مهری قرار گرفته است. متأسفانه متولیان فرهنگی، حساسیت کمی نسبت به مقوله تهاجم فرهنگی داشته اند. لذا این امر نیازمند پیدایش چهره فرهنگی است و یکسان سازی دیدگاه‌ها که قبلاً نیز به آن اشاره شد.

۶- خودباوری فرهنگی

دشمن برای هجوم فرهنگی خود در قالب ناتوی فرهنگی با شناخت کامل از تمامی ظرفیتهای جهان اسلام و هویت‌های ملی و اسلامی آنان قدم در این عرصه می‌گذارد این در حالی است که این خودباوری آن گونه که شایسته است در بلاد اسلامی صورت نگرفته است. چه بسیار رفتارهایی که تحت عنوان اباحه گری و یا حتی اعتقادی در جوامع اسلامی انجام می‌گیرد که مربوط به جهان بینی اسلامی و عقبه فرهنگی ملت‌های اسلامی نیست. عدم شناخت و باور فرهنگ و هویت خویش، موجب پذیرش بدون قید و شرط ارزشهای فرهنگی غرب می‌شود. لذا ضرورت دارد با شناخت ارزشهای مشترک در دو حوزه ملی و اسلامی و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل، گام‌های اساسی را در ایجاد خودباوری و با تقویت نقاط قوت که موجب عزت و غیرت جوامع اسلامی در طول تاریخ شده است به صورت منسجم برداشت. (بهشتی نژاد، ۱۳۸۵: پایگاه اینترنتی)

۷- نظریه پردازی در خصوص فرهنگ ایرانی و اسلامی

باید مشخص شود که موجودی چیست؟ باید نظریه پردازان در این عرصه وارد شوند و محصول کار آنها توسط مجریان، عملیاتی شود. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «باید تولید نظریه و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود.»

۸- ایجاد عزم همگانی و بسیج فرهنگی

دستگاه‌های فرهنگی کشور باید این فضا را بوجود آورند. این انسجام فرهنگی سبق به اراده ملت‌ها و بیداری آنها است. برای تجمیع ظرفیت‌های فرهنگی، تشکیل اوپک فرهنگی ضروری است. این پدیده زمینه‌های وحدت ملل را فراهم می‌کند.

۹- توسعه همراه با توجه به موضوعات انسانی و اجتماعی و مبتنی بر آموزه‌های

دینی

توسعه ای مطلوب است که موزون باشد. توسعه ناموزون همواره مشکل ساز بوده و زمینه نفوذ غرب را فراهم کرده است.

۱۰- پرهیز از خرافه گرایی، عرفان و تصوف تخیلی، اباحی گری، لاقیدی، ساده اندیشی و سطحی نگری، خود کم بینی و خود باختگی، دهن بینی و شایعه پذیری و تقلید گرایی.

۱۱- مهندسی فرهنگی کشور: مهندسی فرهنگی عبارتند از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ، مهندسی فرهنگی باید بر مبنای دینی، رفتار و زبان ملی، فرهنگ کلان، خرده فرهنگها، مقتضیات داخلی و

بین المللی مواجه گردد. برای این منظور مراحل شناخت عمیق مبانی، توانایی‌ها، پتانسیل‌ها، پاتالوژی فرهنگی و تعریف مفاهیم اصلی و اصول مدیریتی، شامل شناخت دستگاه‌های فرهنگی، لزوم تغییر و تحول در دستگاه‌های فرهنگی و افزایش بودجه دستگاه‌های فرهنگی باید پیموده شود. مقام معظم رهبری در این خصوص بر توجه به تمام لایه دینی بر دیگر لایه‌های فرهنگی کشور تاکید دارند.

نتیجه گیری

اکنون که همگرایی در جبهه ناتوی نظامی به رهبری آمریکا به بن بست رسیده است و عملاً آمریکا و انگلیس در سیاستهای میلیتاریستی خود تنها مانده و شکست خورده اند، اروپائیان در تلاشند تا کارکرد ناتوی نظامی را به ناتوی فرهنگی تغییر داده و کشتار وسیع خود را بدون خونریزی با تاکید بر هدفهای مشترک دنبال نمایند. ناتوی فرهنگی با رویکردی مبتنی بر لائیسزم و سکولاریسم، ملت‌های جهان و خصوصاً ملت‌های مسلمان را به سوی اضمحلال فرهنگی سوق دهد. ناتوی فرهنگی حمله به ریشه‌ها و باورها را در دستور کار قرار می‌دهد، صورت و شاکله این مجموعه علیرغم ماهیت پلید آن تزئین شده است. ایجاد ناتوی فرهنگی در دستور کار مستقیم آمریکا و متعهدان آن قرار دارد و بر خلاف پیمان آتلانتیک شمالی که ابعاد تعریف شده و اساسنامه مستندی دارد ناتوی فرهنگی حرکت خود را از مجاری پنهان آغاز می‌کند. طراحان ناتوی فرهنگی علاوه بر آنکه ضرب آهنگ شیخون فرهنگی را تشدید می‌نمایند در مراحل نهایی نیز تا نیل به اضمحلال ملت‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند. برای مقابله با این رویکرد نظام سلطه، جهان اسلام هوشیارانه باید همه عواملی را که برآیندشان اتحاد ملی و انسجام اسلامی است را به کار گیرد. اجازه ندهد تا تهدیدی بیرونی بر نقاط ضعف درونی متمرکز شود. در این راستا خدامحوری، خودباوری، اعتماد به نفس و ایجاد پیوند مستحکم میان اعتقادات، احکام و اخلاق که مورد تاکید بنیانگذار جمهوری اسلامی است، چاره ساز خواهد بود.

منابع

- ۱- استینورساندرس، فرانسیس، (۱۳۸۲). جنگ سرد فرهنگی ریال سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران: انتشارات غرب شناسی.
- ۲- برومند، حسام الدین، (۱۳۸۶). ناتوی فرهنگی و فرهنگ سازی جهانی، سایت بصیرت.
- ۳- بهشتی نژاد، مهدی، (۱۳۸۵). ناتوی فرهنگی در تقابل با هویت اسلامی و ملی، پایگاه اینترنتی بصیرت.
- ۴- ستوده، هدایت اله، (۱۳۷۸). آسیب شناسی اجتماعی، چاپ پنجم، تهران: آوای نور.
- ۵- سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان،

- ۶- حبیبی، حمید، (۱۳۸۶). بصیرت سیاسی، ناتوی فرهنگی، تهران: سازمان بسیج فرهنگیان.
- ۷- هفته نامه صبح صادق، ۱۳۸۵/۱۰/۴ و ۱۳۸۵/۸/۲۹
- ۸- ناتوی فرهنگی به روایت مقام معظم رهبری، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۸۶/۷/۱۰.